مجید قیصری

مجید قیصری سال ۱۳۴۵ در محله‌ی نارمک تهران متولد شد. سال 1363 در هجده سالگی داوطلبانه به جبهه رفت و تا پایان جنگ در جبهه ماند. بعد از جنگ در رشته روانشناسی تحصیل کرد. سال 1372 به شکل خودآموخته شروع به نوشتن کرد و اولین اثر خود را در قالب مجموعه داستان در سال 1374 با عنوان «صلح» توسط دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه‌ی هنری منتشر کرد و پس از آن سال 1375 داستان بلند «جنگی بود، جنگی نبود» و سال 1377 مجموعه داستان «طعم باروت» را توسط نشر صریر به چاپ رسانید. «مقایسه‌ی دو مجموعه با داستان بلند جنگی بود، جنگی نبود نشان می‌دهد که قیصری در عرصه‌ی داستان کوتاه موفق‌تر است» (بارونیان،1387: 561). دیگر آثار قیصری عبارت‌اند از: سال 1379«نفر سوم از سمت چپ»، نشر کمان؛ سال 1380«ضیافت به صرف گلوله»، نشر پالیزان. سال 1384 «سه دختر گل‌فروش»، نشر سوره مهر؛ سال 1385«باغ تلو» نشر علم. سال 1386 «زیر خاکی»، نشر همشهری؛ «گوساله‌ی سرگردان»، نشر افق؛ «ماه زرد»، نشرسوره مهر؛ «مردی فرشته پیکر»، نشر همشهری.

سال 1387«رمان شماس شامی»، نشر افق؛ سال 1388 «دیگر اسمت را عوض نکن»، نشر چشمه.

سال 1390 «طناب کشی»، نشر چشمه؛ سال 1391 «سه کاهن»، نشر عصر داستان.

مجید قیصری نویسنده‌ای که با داستان‌های جنگی‌اش شناخته شده است. مخاطب در آثار قیصری شاهد شلیک گلوله نیست. او بیشتر به بیان تأثیرات جنگ در سال‌های بعد از آن می‌پردازد و بازگو کننده مشکلات نسلی است که به فراموشی سپرده شده‌اند. داستان‌های وی روایت عواطف انسانی و موقعیت‌های مختلف در پس‌زمینه‌ای به نام جنگ است. «قیصری از پدیده‌ی جنگ بیزار است اما جنگ هشت ساله‌ی ما با دشمن متجاوز را متفاوت از جنگ‌های دیگر می‌داند و به آدم‌های آن عشق می‌ورزد. او معتقد است که نوشتن برای او تنها ابزاری است برای بیان دغدغه‌های ذهنی‌اش. مجید قیصری، به خاطر برش‌های زیبا و به یاد ماندنی از جنگ به ویژه در داستان‌های کوتاه، جزو نویسندگان برتر دفاع مقدس است.» (همان: 562).

4-2-1. معرفی کتاب

مجموعه داستان سه دختر گل‌فروش

مجموعه داستان "سه دختر گل‌فروش" نوشته "مجید قیصری" در برگیرنده 26 داستان کوتاه و یک داستان بلند؛ در سال 1384 توسط انتشارات سوره مهر و در 267 صفحه انتشار یافته است و این کتاب نامزد جایزه شهید غنی‌پور و جایزه ادبی مهرگان بوده و جایزه چهارمین دوره قلم زرین سال ۸۵ را نیز از آن خود کرده است.

«مجید قیصری» در مجموعه داستان «سه دختر گل‌فروش» به دوران جنگ و پس از آن که همواره به عنوان دغدغه ذهنی و خاطره تلخ و شیرین سربازان جنگ است، می‌پردازد؛ داستان جنگ، پایان جنگ، سرنوشت بچه‌های جنگ که دیگر سرنوشتی ندارند و به هیچ کاری دل‌خوش نمی‌کند و با رویاها و خاطرات جنگ به خواب می‌روند و از بستر می‌خیزند.

این مجموعه شامل داستان‌های با عناوین: بار، بوم غلتون، صلح، دیدگاه، نفر سوم از سمت چپ، ماندگاری، سیب کال، آداب سفر، عطر عربی فردوس، گیرنده شناخته نشد، نیستان، پدر ساکت ما، ماهی آزاد، کرک جوانی، لک‌لک‌ها، یک اسم عربی، بنویس تا دیر نشده، نقش نعش، برف، مواظب باش، چاپ فوری، یونس بر لب آب، جنگل بلوط، چیزی که بوده و دیگر نیست، سه دختر گل‌فروش، جنگ بس است و جنگی بود جنگی نبود. «در این مجموعه داستان، شاهد داستان‌های مستندگونه هستیم. گویی دوربینی در محل کاشته شده و لحظه‌ها را ثبت کرده است. یا شاهدی فارغ از داوری و پیش‌داوری، روایتی از زمان‌ها و مکان‌های خاص را به خواننده ارائه می‌دهد.» (حبیبی، 1384: 41).

«در مجموعه داستان "سه دختر گل‌فروش" اسکلت‌بندی داستان‌ها را بر پایه‌ی مستندسازی استوار است، پس زمینه‌های اجتماعی جنگ در بستر داستانی به خوبی طرح شده است. قیصری به عنوان یک نویسنده توانسته مبنای کار خود را بر پایه‌ی ارزش‌ها، عقاید و باورهای مردمی که به نوعی جنگ را تجربه کرده‌اند، بنا سازد.» (شیشه‌گران، 1386: 154). به طور مثال در داستان «دیدگاه» قیصری بیشتر به روایت مشاهداتش می‌پردازد و خواننده را از بعضی مسائل که اتفاق افتاده،‌ آگاه می‌سازد؛ اما مشکل اصلی قیصری در این داستان و بعضی دیگر از داستان‌های این مجموعه در توصیف صحنه‌هاست که به عمد و یا غیرعمد، گاه به مبهم‌نویسی روی آورده است؛ و این به داستان‌های کوتاهش لطمه می‌زند مثلاً در سیب کال خواننده با گسست‌هایی روبه‌رو می‌شود که هیچ توجیه داستانی ندارد؛ اما از لحاظ شخصیت‌پردازی قیصری می‌داند تا کجا باید روی هر شخصیت داستانی‌اش تأکید کند. وی جدای از مطرح کردن پس‌زمینه‌های اجتماعی جنگ تحمیلی، می‌خواسته تا افراد خاصی چون دیده‌بان، رزمنده‌ای که خبر شهادت رزمندگان را به خانواده‌هایشان می‌دهد، همسر یک رزمنده،‌ مأمور تجسس شهدا، پستچی جنگ و... را در داستان حاضر نماید و مقوله‌ی عظیم جنگ را از منظر آن‌ها بررسی و ارزیابی کند.

قیصری دلش نمی‌خواهد تا با ایجاد جاذبه‌های داستانی خواننده را پای داستان‌هایش بنشاند. بلکه قصد دارد نقطه نظرات خود را درباره جنگ تحمیلی به خواننده عرضه نماید. به همین دلیل است که شخصیت‌های داستانی او در این مجموعه داستان تحت تأثیر رویدادهای جنگ به دنبال هم پیش می‌روند. همین مسأله باعث شده است که آدم‌های داستانی او در این مجموعه در ذهن خوانندگان باقی بمانند.

**شیوه‌ی قیصری در دو داستان کوتاهش «صلح و سیب کال»**

هر دو داستان به وقایع بعد از جنگ می‌پردازد. در «صلح» با زاویه دید اول شخص از زبان راوی به احساسات سربازان جنگ نسبت به عراقی‌ها و شک در این که آیا هنوز دشمن‌اند، پرداخته می‌شود و «سیب کال» با زاویه دید دانای کل محدود مشکلات تفحص جنازه‌هایی را بیان می‌کند که در جبهه‌های جنگ به خصوص کردستان باقی مانده‌اند. در هر دو شخصیت‌ها «سوژه‌ها» به جز یک نفر بی‌نام هستند و با صفت‌هایشان شناخته می‌شوند. علاوه بر این تمام شخصیت‌های داستان مرد هستند. در «صلح» چهار شخصیت راوی، سالک و پسرک که دارای کنش هستند و غریق که بیشتر ابژه است تا سوژه و در «سیب کال» چهار شخصیت مرد، راننده، کُرد صاحب مغازه و کُرد کلاه‌پوستی (کاک عثمان). حوادث زنده در یک بعد زمانی و مکانی محدود اتفاق می‌افتد.